



Investigating and Analyzing Story Elements in Narrative Texts; Case Study of "Conversations of Hosniyeh"

Seyyed Mohammad-Reza Hosseini-Nia¹

Kiomarth Rajabi²

Farshad Shahbazi³

Received: 15/01/2023

Accepted: 25/06/2023

DOI: 10.22051/tqh.2023.42605.3782

Abstract

Literature, and especially fiction, is one of the oldest tools that has been used since long ago as a platform for transferring the intellectual, cultural and ideological reserves of different religions and civilizations. On the other hand, in the last century along with the progress of human sciences, many efforts have been made by Muslim thinkers to benefit as much as possible from hadith sources in fields such as medicine, economics, psychology, etc. Topics such as short stories and novels – due to their modern nature – at first glance, seem to be far topics to hadith texts; while one can find writings that are presented in a story-oriented and novel-like format with hadith concepts. The treatise known as *Conversations of Hosniyeh* is one of these writings. Using the descriptive-analytical method and library sources, this article addresses the question, "To what extent can the dimensions and aspects of the interaction of story elements and narrative data in *Conversations of Hosniyeh* be described?" Accordingly, while enumerating the technical aspects of modern fiction writing in this text, the extent of the expansion of the narrative concepts is evaluated in light of artistic effects related to the knowledge of storytelling. This article, in its role, can provide solutions for the literary and artistic reproductions of such writings to those who aspire to broaden the horizons of knowledge.

Keywords: Conversations of Hosniyeh, Narrative Data, Literary Reproduction, Conversation, Characterization

¹ - Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ilam University, Ilam, Iran (corresponding author). Email: m.hoseininia@ilam.ac.ir.

² - PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ilam University, Ilam, Iran. Email: Saeedrajaby12@gmail.Com.

³ - PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ilam University, Ilam, Iran. Email: F.SHAHBAZI@gmail.Com.



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال بیست و یکم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، پیاپی ۶۱

مقاله علمی - پژوهشی، ص ۵۶-۳۱

بررسی و تحلیل کارکرد عناصر داستانی در متون روایی (مطالعه موردی مکالمات حسنیه)

سید محمدرضا حسینی نیا^۱

کیومرث رجبی^۲

فرشاد شهبازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

DOI: [10.22051/TQH.2023.42605.3782](https://doi.org/10.22051/TQH.2023.42605.3782)

چکیده

ادبیات و به خصوص ادبیات داستانی، ابزاری است که از دیرباز به عنوان بستری برای انتقال اندوخته‌های فکری، فرهنگی و عقیدتی ادیان و تمدن‌های مختلف بشری استفاده شده است. از سوی دیگر در قرن اخیر و به موازات پیشرفت علوم بشری، تلاش‌های بسیاری از سوی اندیشمندان مسلمان برای بهرمندی هرچه بیشتر از منابع حدیثی در حوزه‌هایی مانند طب، اقتصاد، روانشناسی و... صورت پذیرفته است. در این بین موضوعاتی مانند داستان کوتاه و رمان با توجه به ماهیت مدرنی که دارند در نگاه ابتدایی مباحثی غریبه با متون حدیثی به نظر می‌رسند؛ حال آنکه نوشته‌هایی را می‌توان یافت که ضمن دارا بودن وجه حدیثی و روایی، در قالبی داستان محور و رمان گونه ارائه شده‌اند. رساله موسوم به مکالمات حسنیه از جمله این نوشته‌ها است. در نوشتار پیش‌رو که با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای سامان پذیرفته، در پی پاسخ این پرسش است که: ابعاد و شئون تعامل عناصر داستانی و داده‌های روایی موجود در مکالمات حسنیه، در چه گستره‌ای قابل توصیف است؟ در این مسیر ضمن برشمردن جنبه‌های فنی حوزه داستان‌نویسی مدرن در این متن، میزان گسترش مفاهیم روایی موجود در این نوشته، در پرتو جلوه‌های هنری و واسطه به دانش داستان‌نویسی، ارزیابی شده است که این مهم در نوع خود می‌تواند جهت بازتولید ادبی و هنری چنین نوشت‌هایی، به صاحبان ذوق و اصحاب قلم راهکاری ارائه کند.

واژه‌های کلیدی: مکالمات حسنیه، داده‌های روایی، بازتولید ادبی، گفت‌وگو، شخصیت‌پردازی

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول).

m.hoseininia@ilam.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

Saeedrajaby12@gmail.Com

۳. دانشجوی دکترای رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام. F. SHAHBAZI@gmail.Com

۱. مقدمه

در دوران معاصر همزمان با پیشرفت بی سابقه و روزافزون علوم بشری، علوم ادبی نیز متحول شده و قالب‌های نوظهوری همچون رمان و داستان کوتاه پدید آمده‌اند که در چهارچوب ماهیتی و محتوایی خود در بستر عناصری مثل: پیرنگ، طرح، شخصیت‌پردازی و... قابل شناسایی هستند. مقوله ادبیات و به خصوص مبحث ادبیات داستانی در قرن اخیر در کنار ماهیت غنایی خود، به عنوان رسانه‌ای اثرگذار در جهت شکل‌دهی به بسیاری از مناسبات بشری به کار رفته است. گرچه بسیاری از قالب‌های ادبیات داستانی معاصر ریشه‌ای غیراسلامی داشته و به نوعی زائیده تمدن غربی هستند، اما روشن است که این امر نمی‌تواند مقوله‌ای به اهمیت ادبیات داستانی را موضوعی غیرقابل تعامل با گستره دانش دینی بسازد؛ زیرا: «ادبیات هرچه هست، باید پذیرفت که ادبیات مصطلح هم شأنی از شؤونی است که انسان در آن متحقق می‌شود و بنابراین، همه تحولاتی که برای بشر رخ خواهد نمود خواه ناخواه در ادبیات ظهور خواهد یافت... رمان نویس نه مؤرخ است و نه پیامبر، او کاوشگر هستی است» (آوینی، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

دقت در قرآن کریم به عنوان نخستین منبع شناخت قوانین و مناسبات اسلامی، حکایت از آن دارد که مقوله ادبیات داستانی موضوعی در خلاف جهت ساخت و ساحت ترکیبی و محتوایی قرآن کریم نیست. «قصه‌ها از دیدگاه قرآن شیوه‌ای مؤثر برای تربیت انسان‌ها تلقی می‌شود. از آنجا که وحی برای تربیت و هدایت بشر اهمیت ویژه‌ای قائل است، از این شیوه، حداکثر بهره را برده است. قرآن، گفتار و بیانش، بیشتر جنبه خطابی دارد و روی سخن آن، با عموم مردم است. در چنین حالتی ذکر مثال و حکایت گذشتگان، بهترین روش برای تفهیم است» (ملبوی، ۱۳۷۶، ص ۲۵). بنابراین مقوله ادبیات داستانی گرچه به نوعی دارای ماهیتی مدرن و غربی است، اما با در نظر داشتن مشخصه‌های داستان‌سرایی قرآنی، می‌تواند به عنوان رسانه‌ای تعالی بخش به‌شمار آید. زیرا «در اصطلاح قرآنی، داستان به مفهوم گسترده آن، پدیده‌ای است هندسی که ساختار هندسی ویژه‌ای دارد. داستان‌نویس یک یا چند حادثه و نیز وضعیت‌ها، شخصیت‌ها و محیط‌ها را برمی‌گزیند و آنها را به زبانی تعبیر می‌کند» (بستانی، ۱۳۷۶،

ج ۱، ص ۱۳). البته روشن است که ماهیت ساختاری و نگارشی قالب‌هایی همچون رمان و داستان کوتاه، نمی‌تواند مانند ادبیات تعلیمی و سنتی، در گستره معنایی و نگارشی خویش، مفاهیم دینی را شرح و بسط نماید. اما این ابزار در نوع خود می‌تواند نقش به‌سزایی در انتقال ارزش‌های اسلامی ایفا کند. برای نمونه آقای امیرخانی که از جمله داستان‌نویسان موفق معاصر به شمار می‌رود، درباره استفاده از قالب رمان در مسیر انتقال ارزش‌های دینی می‌گوید: «من به عنوان منبر به رمان نگاه می‌کنم. یعنی من باید در این منبر حرف بزنم. حرفی که واقعاً باعث تقرّب مردم شود» (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص ۳۷). با عنایت به این موارد می‌توان گفت شناخت نمونه‌هایی از منابع دینی که در چهارچوب ادبیات داستانی قابل تعریف هستند، در کنار شناسایی ضعف‌های احتمالی موجود در این نوشته‌ها، می‌تواند ظرفیت‌های قابل توجهی را نیز در جهت استفاده ابزاری از این رسانه فراهم آورد.

۲. بیان مسئله

مطالعه آثار و اقوال پیشینیان حکایت از آن دارد که در طول تاریخ همواره اقوام و ملل مختلف بشری اندوخته‌های فکری و عقیدتی خود را با استفاده از ابزار قصه و داستان به نسل‌های پس از خود منتقل کرده‌اند. «عمر قصه و قصه‌گویی به اندازه عمر پیدایش زبان و گویایی انسان است. شرح جنگ‌ها و تکاپوهای پدران، قصه‌های مادران، قصه‌گویی‌های دربار پادشاهان و نقالی افسانه‌گویان و حکایت‌پردازان و پرده‌خوانان، نشان می‌دهد که زندگی انسان، هیچگاه از قصه تهی نبوده است» (پورخالقی، ۱۳۷۱، ص ۱۷). بنابراین داستان و قصه با توجه به خاصیت اثربخشی که در ماهیت غنایی خود دارد؛ در طول اعصار مختلف تاریخی کارکردی منحصر به فرد در انتقال آرمان‌ها، تجربه‌ها و اندیشه‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری داشته است. قرآن کریم نیز بارها به فراخور مقتضیات مورد نظر خویش از این کارکرد داستان استفاده نموده و بسیاری از مفاهیم و معانی مورد نظر خویش را با بهره‌گیری از عنصر داستان ارائه داده است. «برخورداری از ساختار هنری و استفاده مناسب از عناصر داستانی باعث شده است مخاطب با خواندن

و شنیدن داستان‌های قرآن، گذشته را حاضر ببیند یا خود را بر اعماق تاریخ ناظر بداند» (پروینی، ۱۳۷۹، ص ۱۴).

تتبع در منابع حدیثی نشان‌دهنده آن است که قالب داستان و قصه در موارد فراوانی محتوای مفهومی و معنایی فرمایشات معصومان^(ع) را شکل داده و بسیاری از روایات منقول از ایشان در چهارچوب قصه و داستان در منابع روایی تدوین شده است. در بیشتر این موارد قصه و داستان نقل شده بیان معصوم است؛ تا اینکه ابزاری باشد برای ارائه کلام؛ یعنی داستان نقل شده حکایتی است که معصوم^(ع) بنا به فراخور درخواست و یا ذهنیت مخاطب خویش ارائه داده و اصولاً مبنای بسیاری از این داستان‌ها بیان واقعیت‌های گذشته بوده است تا اینکه قالب داستان، ابزاری باشد برای اثرگذاری بر روان مخاطب. در حوزه کاری محدثین نیز گرچه برخی تلاش‌ها برای بازگویی رخداد‌های مرتبط با حیات معصومان در قالب داستان صورت پذیرفته، اما اثری که به صورت مشخص و مستقل مجموعه‌ای از احادیث را در چهارچوب داستان و قصه‌ای مفصل ارائه کرده باشد؛ جز رساله موسوم به مکالمات حسنیة، مورد مشخص و قابل ذکر دیگری یافت نمی‌شود.

بنابراین رساله موسوم به «مکالمات حسنیة» از جمله معدود نوشته‌های حدیثی است که در قالب متنی داستان‌گونه و به عبارتی بهتر؛ نمایش‌نامه‌مانند، موضوعات مهمی از اصول عقاید و اندوخته‌های فکری مذهب تشیع را به مخاطب خویش انتقال می‌دهد. گرچه گاهی پیش می‌آید که در طول مکالمات حسنیة سندهایی کوتاه و موجز برای برخی روایات نقل نیز نقل شده است (رک. مجلسی، ۱۳۷۹، صص ۵۷۳، ۵۶۴، ۵۷۵). اما به صورت کلی می‌توان گفت، در متن یاد شده با مجموعه‌ای از احادیث باب‌بندی شده و دارای سلسله سند متصل روبه‌رو نیستیم، بلکه حجم قابل توجهی از احادیثی که به نوع خود در کتب حدیثی فریقین قابل شناسایی هستند؛ در بستر داستانی از زندگی یک کنیز شیعی نقل گردیده است. در این مقاله تلاشی در جهت یافتن منابع اصلی احادیث بیان شده در مکالمات حسنیة همچنین سند و طُرق نقل این روایات‌ها انجام پذیرفته و اصولاً پیدا کردن درجه اعتبار و صحت این روایات خارج از رسالت این نوشتار است. باید

گفت آنچه که امروزه به عنوان مکالمات حسنیه وجود دارد، متنی فارسی است متعلق به دوران صفویه، که نگارنده آن مدعی است از روی متنی عربی متعلق به شیخ ابوالفتح رازی ترجمه کرده است. حال آنکه نه نحوه دستیابی خود به آن متن عربی را شرح داده و نه سند نوشته عربی مورد ادعای خود را قید کرده است. محققین حوزه علوم حدیث نقد سندی حدیث را از جمله نخستین قدم‌های سنجش روایات دانسته‌اند: «سند از نگاه ما مفهومی فراتر را دربرمی‌گیرد و شامل اموری همچون اصالت حدیث و اصالت منبع نیز می‌شود. بر این اساس نقد روایات در هشت مرحله زیر قابل انجام است: ۱. بررسی اصالت حدیث؛ ۲. بررسی منبع؛ ۳. بررسی انتساب حدیث به معصوم؛ ۴. بررسی سند؛ ۵. بررسی هویت راویان؛ ۶. بررسی شخصیت راویان؛ ۷. بررسی سایر طرق حدیث؛ ۸. بررسی ضعف‌های بیرونی حدیث» (نصیری، ۱۴۰۰، ۲۸۱). بی‌شک در مکالمات حسنیه سنجش میزان اعتبار سندی، کاری بسیار دشوار است؛ زیرا در مراحل: بررسی سند، بررسی هویت راویان، همچنین بررسی شخصیت راویان، بعضاً تکیه قابل اعتمادی وجود ندارد. اما در بحث منبع و مراحلی که بر اساس آنها حدیث اثبات می‌شود، حدیث بودن محتوای مکالمات حسنیه قابل تحقیق است. نخست آنکه از لحاظ منبع، رساله موسوم به مکالمات حسنیه در کتب حدیثی معاصر و متأخر، وجود دارد؛ مانند ملحقاتی که در *حلیة المتقین* علامه مجلسی نقل شده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه: «کلمه حدیث در اصطلاح علوم اسلامی بر قول و فعل و تقریر معصوم^(ع) اطلاق می‌شود» (معارف، ۱۳۹۱، ۳۲) و «بیان ویژگی‌های خُلُقِی و خُلُقِی، یعنی شمائل پیامبر^(ص) را نیز در شمار حدیث دانسته‌اند» (عجاج خطیب، ۱۴۰۱، ۲۲)، مکالمات حسنیه را باید نوشته‌ی حدیثی قلمداد نمود، که مطالب روایی فراوانی را پوشش داده است. بنابراین در این تحقیق متنیت کلی این رساله، حدیثی قلمداد شده و کنکاشی هدفمند جهت اثبات یا رد این موضوع صورت نمی‌پذیرد؛ زیرا آنچه که در این مقاله محوریت دارد، موضوع عناصر داستانی موجود در متن یاد شده است و نه اثبات یا رد متنیت حدیثی آن. بنابراین از جمله پرسش‌های اصلی این نوشتار این است که: اهم عناصر داستانی موجود در رساله مکالمات حسنیه کدام است؟ و اینکه: اگر تلاش نویسنده رساله یاد شده را در جهت تولید متنی حدیثی در قالبی داستانی قلمداد کنیم؛

میزان موفقیت متن یاد شده با توجه به پارامترهای داستان نویسی مدرن چه میزان بوده است؟

جستار پیش رو در صدد است تا به مطالعه اجزای داستانی رساله یاد شده به بررسی این فرضیه بپردازد که استفاده از قالب داستان در جهت انتقال اندوخته‌های حدیثی، موضوعی غیرقابل تحقق نمی‌باشد. بلکه رسانه ادبیات داستانی در نوع خود می‌تواند کارکردی هدفمند و تاثیرگذار در جهت انتقال مفاهیم روایی داشته باشد. اهمیت موضوع یاد شده در این است که از یک سو با توجه به شرایط عصر حاضر و جنگ تمام‌عیار رسانه‌ای فرقه‌های معاند که اذهان و ذائقه فکری بسیاری از مردم و خصوصاً نسل جوان را مورد حمله بی‌امان خویش قرار داده است؛ و از سوی دیگر عنایت به این مهم که با توجه به اشتغالات روزافزون انسان‌ها در دوران معاصر شاید رجوع به منابع مفصل حدیثی و متون روایی سنتی برای تمامی آحاد جامعه امکان پذیر نباشد؛ پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند متولیان حوزه علوم اسلامی را با افق تازه‌ای در حوزه انتقال مبانی و اندوخته‌های دینی رهگشا باشد. چرا که اگر بنا باشد متونی موثق و معتبر در بستر هنر و ذوق در اختیار جامعه اسلامی قرار گیرد باید در گام نخست، پیشینه این کارکرد مورد ارزیابی قرار گرفته و در قدم بعدی با توجه به نکات ضعف و قوت به دست آمده از این ارزیابی، بستری برای استفاده از قالب‌هایی هنری مانند داستان کوتاه و رمان در جهت انتقال کلام نورانی معصومان^(ع) فراهم گردد.

۳. پیشینه پژوهش

در مورد مکالمات حسنیه در پاره‌ای از پژوهش‌های معاصر اشارات و توضیحات مختصری را می‌توان یافت؛ اما به صورت موردی و تخصصی به جز دو تحقیق زیر که در کنگره شیخ ابوالفتوح رازی ارائه شده است، نگارنده به پژوهش مشخصی با محوریت مکالمات حسنیه دست نیافت. در مقاله: «شیخ ابوالفتوح رازی مکالمات حسنیه» (زادهوش، ۱۳۸۴، ۲۶۳-۲۸۴) اطلاعاتی مختصر اما گرانقدر از محتوا و نگارنده رساله و نیز چاپ‌ها و نسخه‌های خطی مکالمات حسنیه ارائه شده است. در مقاله: «شناخت ابوالفتوح رازی، و سیر در

مکالمات حسنیه» (عسکرابادی، ۱۳۸۴، ۲۳۹-۲۶۲) نیز درباره نسب، حیات و آثار شیخ ابوالفتوح رازی مطالب ارزشمندی بیان شده است. چنانچه مشهود است دو مقاله یاد شده بیشتر با تکیه بر شخصیت و آثار شیخ ابوالفتوح رازی تدوین شده و مطالعه مکالمات حسنیه موضوعی فرعی بوده و توجه لازم به آن مبذول نشده است. از اینرو می‌توان گفت مقاله و تحقیق مشخصی پیرامون مکالمات حسنیه و با تکیه بر ماهیت داستانی رساله یاد شده، انجام نگرفته است.

۴. نگاهی اجمالی به مکالمات حسنیه

۴-۱. موضوع و محتوا

رساله موسوم به مکالمات حسنیه نوشته‌ای در حدود ۵۰ صفحه به زبان فارسی است که در قالب متنی داستان‌گونه تدوین شده است. این نوشته در چاپ‌های متعددی عرضه شده و از آن با عناوین دیگری نظیر: رساله حسنیه، مناظره حسنیه، مباحثه‌ی حسنیه با علمای مخالف، ترجمه‌ی الحسنیه و... نیز نام برده شده است (ن.ک: تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۹۷).

متن مورد کاوش در نوشتار پیش‌رو، ضمیمه‌ای است که تحت عنوان: مکالمات حسنیه در مجلس هارون با علماء مخالفین، در انتهای کتاب *حلیة المتقین* علامه مجلسی الحاق شده است. شخصیت اصلی این نوشته کنیزی شیعی به نام حسنیه است که سالها در خدمت خانواده و حرم امام جعفر صادق^(ع) شرف حضور داشته و با بهره‌مندی از آموزه‌های این امام همام توانسته اندوخته‌های علمی و مذهبی فراوانی کسب کند. موضوع اصلی و محوری این نوشته بر مناظره حسنیه با علمای درجه اول اهل سنت نظیر: ابراهیم بن خالد سیار عوفی و ابویوسف شافعی در خصوص حق و جایگاه اهل بیت^(ع) متمرکز بوده و در این گفت‌وگوها مطالب فراوانی از قبیل: موضوع حقانیت مولای متقیان^(ع) در جانشینی پیامبر اسلام^(ص)، غصب فدک، شهادت حضرت زهرا^(س) و... بیان شده است. حوادث این نوشته در زمان هارون الرشید و در حضور وی در بغداد می‌گذرد.

۴-۲. نگارنده و مؤلف

در ابتدای این نوشته شخصی به نام ابراهیم استرآبادی خود را مترجم متن عربی رساله یاد شده معرفی کرده و شیخ ابوالفتوح رازی را نگارنده اصلی این نوشته دانسته است (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۹). استرآبادی تاریخ دستیابی خود به رساله یاد شده را سال ۹۵۸ق یعنی قرن دهم هجری قید کرده است، در حالی که «قطعا ابوالفتوح متولد اواخر قرن پنجم و متوفای اواسط قرن ششم است» (عسکرآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲). علاوه بر آن استرآبادی سند خود تا شیخ ابوالفتوح را نیز ذکر نکرده است. لذا می‌توان در انتساب این نوشته به شیخ ابوالفتوح تردید نمود. چنانچه آقای زادهوش در مقاله مفصل خود با ذکر دلایل متعددی انتساب متن مکالمات حسنیه به شیخ ابوالفتوح رازی را غیرقابل قبول دانسته و می‌نویسد: «زندگانی ابوالفتوح کمتر در منابع ذکر شده و به اندازه کافی نقش اسطوره‌ای یافته است... شاید پدیدآورنده این رساله بهتر آن دیده که اصل رساله را به زبان عربی فرض کند تا در اذهان خوانندگان، از اتقان بیشتری برخوردار شود و از لحاظ تاریخی نیز بیشتر به واقعیت نزدیک شود؛ چرا که اثری که در قرن ششم هجری تألیف یافته، عموماً باید به زبان عربی باشد» (زادهوش، ۱۳۸۴، ص ۲۷۰).

نکته قابل ذکر دیگر این است که در پایان این نوشته و در صفحه آخر به مطالب مختصر دیگری از نسخه‌ای دیگر اشاره شده است «در نسخه‌ای دیده شده که در موقعی که ابراهیم بن خالد از حسنیه شکایت کرد...» (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۶۲۵) چنانکه آشکار است این اشاره کوتاه، به وجود چندین نسخه از مکالمات حسنیه نوشته شده توسط ابوالفتوح رازی اذعان دارد، حال آنکه اگر چنین نسخه‌هایی در قرن دهم در دسترس یک فردی مثل استرآبادی بوده، استبعادی نداشته که افراد دیگری نیز چنین نسخه‌هایی را مشاهده کرده و گزارشاتی از این مشاهدات به دست ما رسیده باشد. بنابراین همانقدر که انتساب این نوشته به ابوالفتوح رازی جای تردید دارد به همان میزان انتصاب و تألیف این نوشته به خود استرآبادی تقویت می‌گردد.

۴-۳. اصالت ماجرا

در مورد شخصیت حسنیه اطلاعات جامع و کاملی در دسترس نیست. صاحب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء حسنیه را چنین معرفی می‌کند: «وهي كانت جاریة من السبی،

و قد أسلمت في زمن هارون الرشيد و كانت فاضلة عالمة مدققة بصيرة بالاخبار و الآثار، و الرسالة الفارسية التي جمعها الشيخ أبو الفتوح الرازي صاحب التفسير الفارسي المشهور في قصة مناظرتها في مسألة الامامة في مجلس هارون الرشيد مشهورة و يظهر من تلك الرسالة غاية الفضل للحسنية و نهاية الجلالة، حتى أنه يختلج بالبال أن تلك الرسالة مما وضعه الشيخ أبو الفتوح المذكور و عمله و وضعه لكن نسبه الى الحسنية تقبيحا لمذاهب أهل السنة و تشييعا عليهم بفضيحة عقيدة العامة كما فعل نظيره ابن طاوس صاحب الاقبال^۱ في كتاب الطرائف^۲ المعروف، و قد قال فيه بأني رجل من أهل الذمة و ناظر فيه و باحث مع أرباب المذاهب الاربعة الى أن يتم عليهم الحجة و يثبت مذهب الشيعة، ثم يصرح بأنه صار مسلما. و لاجل عدم المعرفة بهذا اشتبه الحال على جماعة من الفضلاء حتى على فحول العلماء، فحسبوا أن كتاب الطرائف لعبد المحمود الذمي، و هو الذي صدر الكتاب به تورية. و الله يعلم حقيقة الاحوال. و قد سبق مشروحا في ترجمتهما» (افندی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۴۰۶ و ۴۰۷). در این سطور اطلاعات جدیدی از نَسَب و زمان تولد یا مرگ حسنیه، همچنین از اینکه آیا نوشته‌ای از او به جای مانده یا نه، ارائه نشده است؛ بلکه به این موضوع تصریح شده که او کنیزی بوده که توانسته در مجلسی با حضور هارون به دفاع از اهل بیت و مذهب حقه تشیع بپردازد.

در مورد اصل وقوع چنین ماجرای و برگزار شدن چنین مناظره مفصلی، آن هم در عصر خلیفه‌ای مانند هارون الرشید، ابهامات اساسی وجود دارد. چنانچه در این باره گفته‌اند: «گویا در ۹۵۸ ق با اندکی پس و پیش در دستگاه صفویه ساخته شده، از روی داستان کنیزی ناطفی با هارون الرشید که در قره‌العین اثر قاضی اوش آمده است» (دانش پژوه، ۱۳۳۹، ج ۱، ص ۲۰۸). با این وجود نفی کلی وقوع این ماجرا نیازمند شواهد و قرائن بیشتری است، که چنین شواهد و قرائنی در دسترس نمی‌باشد.

۱. الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة.

۲. الطرائف في معرفة مذهب الطوائف.

۴-۴. ماهیت داستانی

مکالمات حسنیه متنی متعلق به قرن دهم هجری بوده و بیشتر نوشتاری مذهبی و دینی به شمار می‌رود تا یک اثر ادبی مستقل، بنابراین انتظار اینکه دارای یک ساختار داستانی تام و فنی به فراخور قالبی همچون رمان باشد، منصفانه به نظر نمی‌آید. اما با مطالعه و بررسی این نوشته مشخص می‌شود که عناصر داستانی فراوانی داده‌های روایی موجود در مکالمات حسنیه را در کنار هم چیده‌اند. «هر متنی که زائیده‌ی تخیل نویسنده باشد و صرف‌نظر از کیفیت و کمیت پای‌بندی نویسنده به واقعیت، یک یا چند شخصیت و یک یا چند رویداد را در تلاقی زمان و مکان واحد یا چندین گانه تصویر کند، داستان خوانده می‌شود» (بی‌نیاز، ۱۳۸۷، ص ۱۵). دقت در این رساله نشان می‌دهد که این نوشته: دارای شروع و پایان مشخص، سلسله‌ای از حوادث پی‌درپی، شخصیت‌های متفاوت و از همه مهم‌تر گفت‌وگوهایی مفصل است. جدای از اینکه نگارنده نهایی مکالمات حسنیه کیست و در حوزه علوم دینی دارای چه تخصصی بوده و حتی بدون توجه به این موضوع که وی در تدوین این نوشته چه اهدافی داشته است. با تکیه بر محتوای این متن، باید وی را فردی دانست که از مهارت‌های خاص نویسندگی به‌رمند بوده است. چراکه: «داستان‌نویسی در واقع ارائه مثال است و آوردن مثال در تعلیم و تربیت، خود نوعی تعلیم عملی و نشان دادن عمل است. در هر داستانی لطایفی وجود دارد که شناخت قصه‌نویس از روحيات و تمایلات انسان، بی‌شک در چگونگی عرضه‌ی آن داستان نمود پیدا می‌کند» (مهدوی، ۱۳۸۱، ص ۱۳). بنابراین می‌توان گفت گرچه مصالح و مواد اساسی این نوشته مفاهیم حدیثی و داده‌های روایی بوده و دارای ساختاری ساده و گشایشی غیرحرفه‌ای است؛ اما چیدمان مطالب و شکل بندی نوشته در چهارچوب یک متن داستانی قابل تعمیم می‌باشد.

۵. تحلیل عناصر داستانی مکالمات حسنیه

۵-۱. طرح و پیرنگ

طرح داستان یا پیرنگ (plot) بدون شک مهم‌ترین عنصر یک داستان است. پیرنگ در واقع عنصر قوام بخش هر داستانی است که رابطه علت و معلولی را بر سرتاسر آن تعمیم داده و مانند بدنه‌ای است که سایر عناصر داستان بر روی آن رشد می‌کنند. اگر طرح داستان را پدیده‌ای بنامیم که: «میان رخدادهای آن رابطه عقلانی ایجاد می‌کند، حوادث را از آشفتگی بیرون می‌آورد، سیر منطقی به آنها می‌دهد و به داستان وحدت هنری می‌بخشد.» (یونسی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲)، طرح و پیرنگ اساسی مکالمات حسنیه بر تلاش شخص حسنیه جهت اثبات حقانیت مذهب تشیع متمرکز است. می‌توان گفت نطفه‌ی طرح این نوشتار در بستر گفتار و انگیزه شخصیت اصلی آن شکل گرفته و همین امر خود باعث شده که دلایلی که در طول این نوشته برای انگیزه و کردار سایر شخصیت‌ها بیان شده است معقول و قابل درک بنظر بیاید.

واضح است که میزان قوت و پخته‌گی طرح داستان با قابلیت هنری و کارکشتگی فنی نویسنده

رابطه مستقیمی دارد. «داستان‌نویس کاردان طرح را در کل اندام داستان حل و محو می‌کند و به خواننده فرصت نمی‌دهد که خطوط آن، یعنی روابط علی بین رویدادهای داستان را به چشم ببیند و به گوش بشنود» (ایرانی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۵).

از این رو گرچه شاید طرح این نوشته، در نگاهی کلی، کلیشه‌ای و تکراری به نظر برسد، اما با توجه به رسالت فکری و عقیدتی این نوشته، همچنین با در نظر داشتن توانایی اندک نویسنده مکالمات حسنیه در حوزه فن داستان‌نویسی؛ می‌توان گفت پیرنگ نوشته مزبور تا حدودی توانسته است به گفتمان حاکم بر این نوشته وحدت ببخشد. همچنان که روابطی نسبتاً منطقی بین رویدادهای نقل شده در این داستان فراهم کرده است.

داستان دارای دو مقدمه است. مقدمه نخست توضیحی است در کمتر از یک صفحه، که شخص استرآبادی خود را مترجم این نوشته معرفی نموده و تاریخ و مکان دست‌یابی خود به این متن را شرح داده است. مقدمه دوم را می‌توان مقدمه داستانی نوشته قلمداد نمود، چرا که پیش از شروع اصل داستان توضیحاتی در خصوص شخصیت حسنیه و خواجه او، همچنین وضعیت زندگی آنان ارائه می‌دهد. در این مقدمه می‌خوانیم که

حسنیه از خواجه خود می‌خواهد که به دربار خلیفه زمان رفته و پیشنهاد فروش او را به بهایی گزاف به شخص هارون الرشید عباسی بدهد و اگر هارون از قیمت گزاف این کنیز پرسید، در جواب بگوید: «اگر تمام علما حاضر شوند و در علوم دینی و مسائل شرعی با او بحث کنند، بر همه فائق آید و مغلوب نگردد» (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۵۶۰).

رجوع خواجه به منزل یحیی برمکی وزیر هارون الرشید و پیشنهاد فروش حسنیه به او را می‌توان نقطه شروع داستان دانست، که در نوع خود نمی‌توان آن را آغازی هنری قلمداد نمود. پایان داستان نیز به همان نسبت ساده و غیرحرفه‌ای پرداخته شده است. چراکه داستان دارای چند پایان است. در یک صفحه مانده به آخر داستان، صحبت از فضاحت و سرافکندگی مخالفان حسنیه در مناظره با او شده و در این پایان حسنیه پیروز مناظره قلمداد شده است. نتیجه این غلبه تغییر مذهب چهارصد نفر از حاضران موجود در مناظره به مذهب تشیع و سیره اهل بیت^(ع) بیان شده است (همان، ص ۶۲۴). این پایان می‌توانست به فراخور انتظاری که نویسنده از خلق اثر خود داشته با پرداختی بهتر و فنی‌تر، فضای ذهنی خواننده را در جهت رسوخ اعتقادات مکتب تشیع به نحو احسن فراهم کند.

اما در صفحه آخر دو حادثه دیگر، آن هم با اشاره به نسخه‌های دیگر از شرح این ماجرا، به عنوان پایان داستان بیان شده است (همان، ص ۶۲۵). وجود چنین پایان‌بندی نامنظمی گرچه می‌تواند ابهاماتی از سرگذشت مولف کتاب را روشن کند، اما ماهیت داستانی این نوشته را دچار بحران می‌کند.

۵-۲. زاویه دید

از جمله مهم‌ترین عناصر داستانی یک متن ادبی، زاویه دید یعنی نحوه بیان و ارائه مطالب آن داستان

است. زاویه دید: «به موقعیتی گفته می‌شود که نویسنده نسبت به داستان اتخاذ می‌کند و دریچه‌ای است که پیش روی خواننده می‌گشاید تا او از آن دریچه و مجرای خاص، حوادث استان را ببیند و بخواند (مقدادی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۷). به عبارت بهتر شیوه‌ای است که: «نویسنده به وسیله آن مصالح و مواد داستان خود را به خواننده ارائه می‌دهد»

(میرصادقی، ۱۳۹۴، ۲۳۹ص). با این وصف کل ماجراهای اصلی اتفاق افتاده در مکالمات حسنیه از زاویه دید سوم شخص یا دانای کل به مخاطب ارائه می‌شود. با توجه به اینکه مفاهیم اساسی قابل انتقال در این نوشته موضوعات دینی و مذهبی هستند، مؤلف بیشتر قصد تولید یک اثر مذهبی با خصوصیت اثرگذاری بر عقاید مخاطب خویش را داشته و زاویه دید سوم شخص را بهترین وسیله برای این مهم تشخیص داده است. با توجه به این هدف شاید بتوان گفت مؤلف مکالمات در انتخاب زاویه دید خود موفق بوده است، چراکه «احتمالا شدت و حدت صحنه‌ای که با زاویه دید سوم شخص روایت می‌کنید به قدر روایت اول شخص نیست، اما بی‌شک در این شیوه روایت، درون‌نگری‌ها و واکنش‌ها مفصل‌تر و عمیق‌تر است» (بیشاپ، ۱۳۹۱، ص ۲۹۱).

گرچه در نیم‌صفحه ابتدایی مکالمات حسنیه مواردی از زبان اول شخص مفرد یا من راوی ارائه می‌شود، اما همچنان که پیشتر ذکر گردید این مقدمه خارج از تم داستانی نوشته بوده و به نوعی قابل چشم‌پوشی است. از اینرو می‌توان گفت در مکالمات حسنیه تغییر زاویه دید محسوسی رخ نداده و ترفند هنری خاص و قابل توجهی در این زمینه از سوی نگارنده اعمال نشده است. شاید اگر نویسنده به جوانب و ترفندهای نوین علم داستان‌نویسی دسترسی داشت، با تغییر دید مناسب در این نوشته و ارائه مطالب عقیدتی از چندین زاویه دید، می‌توانست تاثیر بیشتری بر مخاطب خویش اعمال نماید.

۵-۳. بحران و نقاط اوج

داستان دارای بحران‌هایی است که نخستین آنها را می‌توان بلافاصله پس از شروع داستان مشاهده کرد. بعد از مقدمه و در سطور ابتدایی، وقتی حسنیه و خواجه‌اش به دربار هارون می‌روند و عرض حال می‌کنند، هارون در جواب آنها به خواجه حسنیه می‌گوید: «اگر مقنع و ملزم شود، بفرمایم که گردن تو را بزنند و کنیز مرا باشد» (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۵۶۱). گذشته از این مورد در چندجای دیگر این نوشته نیز مواردی از بحران به چشم می‌خورد (ن.ک: همان، ص ۵۹۳، ۶۰۶، ۶۱۵، ۶۱۹). با توجه به اینکه بحران در داستان از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و به عبارتی: «موجب دگرگونی شخصیت یا شخصیت‌های داستان می‌شود و تغییری قطعی در خط اصلی

داستان پدید می‌آورد» (میرصادقی، ۱۳۹۴، ص ۷۶)، وجود این عنصر در چندجای متن در نوع خود به غنای ماهیت داستانی نوشته کمک شایانی نموده است. کما اینکه این نوشته دارای نقاط اوج و کشمکش‌های بسیاری نیز می‌باشد (ن.ک: همان، ص ۵۸۱، ۵۹۱، ۵۹۳، ۵۹۹، ۶۱۲). شاید بتوان بزرگترین نقطه قوت مکالمات حسنیه از منظر فن داستان‌نویسی را وجود چنین نقاط بحران و کشمکش‌هایی دانست که تا حدودی در چندین مقطع توانسته خواننده را با خود به اوج کشانده و در حس و حال فضای داستانی حاکم بر نوشته یاد شده قرار دهد.

۴-۵. گره‌افکنی و تعلیق

در بررسی کلی ساختار داستانی مکالمات حسنیه می‌توان گفت عمده نقص این نوشته به لحاظ فن داستان‌نویسی عدم وجود گره‌افکنی و گره‌گشایی قابل اتکا است. «گره‌گشایی در یک جمله، عبارت است از حل بحران و باز شدن گره‌های داستان، به ویژه گره‌های نقطه اوج. به طور کلی دو عامل گره و گره‌گشایی مبنای اصلی تمام پیرنگ‌بندی‌هاست» (حیبی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳). همچنان‌که در ساختار داستانی این نوشته تعلیق مشخص و معینی مشهود نمی‌باشد. «هر نوع عدم اطمینان و بی‌خبری از نتیجه و انتظار را تعلیق گویند. اساس تعلیق را پیش‌بینی تشکیل می‌دهد. تردید و دودلی بیننده، در مورد رسیدن به هدف یا عدم رسیدن هدف تعلیق ایجاد می‌کند» (قادری، ۱۳۸۰، ص ۷۳). در ادبیات داستانی معاصر در کنار پیشرفت کنش‌های اثر و گره‌افکنی در سلسله حوادث، باید شرایطی فراهم شود که خواننده از خود بپرسد در قسمت بعدی چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ این ترفند در اصطلاح «تعلیق» نامیده می‌شود. «تعلیق محصول وضعیتی است که خواننده می‌خواهد آینده داستان را حدس بزند اما نمی‌تواند» (بی‌نیاز، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

گرچه در سیر گفت‌وگوهای مکالمات حسنیه گاه در بستر پرسش‌هایی که شخصیت‌های داستان از هم دیگر می‌پرسند، درگیری ذهنی خواننده به دنبال کشف مدلول سؤال فراهم می‌شود، اما این فرآیند در چینش محتوای حدیثی گفت‌وگوها پدید می‌آید و نه در ساختار داستانی اثر. به عبارت بهتر در سلسله حوادث داستان نه گره داستانی عمیقی

طرح می‌شود و نه در جایی از اتفاقات اندکی که در این مناظره می‌افتد تعلیق قابل ذکری از سوی نویسنده اعمال می‌شود. بنابراین می‌توان گفت در این نوشته از کارکرد عنصری همچون تعلیق، همچنین گره‌افکنی و گره‌گشایی داستانی به نحو قابل توجهی غفلت شده است.

۵-۵. شخصیت پردازی

از جمله مهم‌ترین تکنیک‌های هر نویسنده‌ای در حوزه ادبیات داستانی موضوع شخصیت و شخصیت‌پردازی می‌باشد. پردازش شخصیت در هر اثری قبل از ظهور بر صفحه کاغذ، از ظرفیت ذهنی نویسنده عبور نموده و بر اساس مقتضای فکری و روحی وی صورت می‌پذیرد. «منظور از شخصیت، اشخاص داستان می‌باشند که نویسنده آن‌ها را در داستان می‌آورد تا گفتار، کردار و کنشی ارائه دهند، زیرا داستان بازآفرینی حوادث در رابطه با اشخاص است به نحوی که در مخاطب انتظار یا صمیمیت ایجاد کند. بنابراین هر موجودی که گوشه‌ای از روایت را به عهده بگیرد و درباره‌ی خصوصیات خودش و دیگران حرفی بزند، شخصیت است» (بارونیان، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳).

بر این اساس یکی از راه‌های شناخت دقیق و فهم درست یک رمان و در عین حال مهم‌ترین آن در مواردی خاص؛ تحلیل شخصیت‌های رمان و گفتمان حاکم بر روان و زبان شخصیت‌های داستان است. زیرا «شخصیت، در لغت به معنی ذات، خلق و خوی مخصوص شخص است و در معنی عام، عبارت از مجموعه خصوصیات است که حاصل برخورد غرایز و امیال نهفته انسان با دانش‌های اکتسابی او در زمینه‌های مختلف اجتماعی می‌باشد. در ادبیات، شخصیت فرد ساخته‌شده‌ای است که مانند اشخاص حقیقی از ویژگی‌هایی برخوردار است و با این ویژگی در داستان و نمایش ظاهر می‌شود» (داد، ۱۳۷۸، ص ۱۷۷).

در مکالمات حسنیه شخصیت‌های متعددی مجال حضور یافته‌اند. بی‌شک شخصیت اصلی داستان شخصیت حسنیه است که جابه‌جا به داستان جان می‌دهد و حوادث آن را پیش می‌برد. در مرحله دوم، شخصیت ابراهیم سیار است که حضوری قابل توجه دارد. باقی شخصیت‌های این داستان به میزان ایفای نقششان به ترتیب عبارتند از:

هارون الرشید خلیفه عباسی، یحیی برمکی وزیر هارون، ابویوسف شافعی و خواجه حسنیه.

بررسی شخصیت‌پردازی شخصیت اصلی و باقی شخصیت‌های مکالمات حسنیه، از سهل‌انگاری مفرط نویسنده در پرداخت شخصیت‌ها حکایت دارد. می‌توان نوع شخصیت‌پردازی به کار رفته در مکالمات حسنیه را شخصیت‌پردازی مستقیم با شیوه نمایشی و توصیفی قلمداد کرد. «در این شیوه راوی با جمله‌های خبری و توصیفی خود به معرفی شخصیت می‌پردازد» (قربنگلو و عبدی پور، ۱۳۸۸، ص ۳۲۸). با این وصف می‌توان گفت تمامی شخصیت‌های این نوشته، شخصیت‌هایی ساده و ساکن بوده و وصفی پویا و پرداختی هنری ندارند. از همه مهم‌تر آنکه شخصیت‌های این اثر همه‌گی شخصیت‌هایی نوعی و تیپیکال هستند. «شخصیت‌های نوعی و تیپیکال نشان دهنده خصوصیات گروهی یا طبقه‌ای از مردم می‌باشند. در این نوع شخصیت‌ها آنچه اهمیت دارد ویژگی‌های فردی آنها نیست؛ بلکه خصایص و ویژگی‌های عام و کلی آن طبقه مد نظر و مهم است، که آنها نماینده آن می‌باشند» (میرصادقی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲).

گویی نویسنده اثر اشاره به نام شخصیت‌های موجود در مکالمات حسنیه را کافی دانسته و بر خود لازم نمی‌بیند به معرفی بیشتر آنها بپردازد. تا جایی که حتی در معرفی سیمای ظاهری و گرایش‌های شخصیتی دو شخصیت اصلی داستان نیز ناتوان بوده است. نویسنده می‌توانست در سایه پرداخت دقیق‌تر و هنری شخصیت‌های خویش، بسیاری از اندیشه‌های قابل انتقال مورد نظر خویش را پرورده و در سیمای رفتاری و کنش‌های هنجاری شخصیت‌های این نوشته به نمایش بگذارد.

۵-۶. گفت‌وگو

بی‌شک عنصر غالب مکالمات حسنیه که به این نوشته وجهه‌ای داستانی بخشیده است؛ عنصر گفت‌وگو

است. اساساً گفت‌وگو فصل جدایی‌ناپذیر داستان کوتاه یا رمان بوده و در صورت فقدان آن، خواننده با انبوهی از اطلاعات بی‌روح مواجه خواهد شد. زیرا «گفت‌وگو به معنای

مکالمه و صحبت کردن با هم و مبادله‌ی افکار و عقاید است و در شعر، داستان، نمایشنامه و... به کار می‌رود. صحبتی که میان دو شخص یا بیشتر، یا آزادانه در ذهن شخصیت واحدی در اثر ادبی ردّ و بدل می‌شود؛ گفت‌وگو نامیده می‌شود» (جزینی، ۱۳۸۴، ص ۹۲). از طرف دیگر «هرچند شخصیت داستان غالباً با حرف‌هایش اطلاعات مهمی را به خواننده منتقل می‌کند، اما کارکرد اصلی گفت‌وگو انتقال اطلاعات نیست، کارکرد اصلی آن، فعل و انفعالات انسانی است» (جمالی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶). گفت‌وگوهای موجود در مکالمات حسنیه بیشتر از آنکه قوام‌بخش ماهیت داستانی و گسترش‌دهنده وجه هنری داستان باشد؛ کارکردی ابزاری در انتقال داده‌های مذهبی به مخاطب دارد. بنابراین گفت‌وگوهای موجود در مکالمات حسنیه بیشتر از آنکه وسیله‌ای برای بیان فعل و انفعالات انسانی باشد، بستری است برای انتقال اطلاعات مورد نظر نویسنده و این خود از جمله دیگر نقص‌های ادبی این نوشته است. «گفت‌وگو از دل شخصیت و آن جور که هست و نیازهای او در داستان، بیرون می‌آید، نه از دل نیازهای نویسنده برای گفتن داستان» (کمپتون، ۱۳۹۲، ص ۵۵). همچنان‌که پیشتر یادآور شدیم نویسنده اگر به ظرافت‌های هنری حوزه داستان‌نویسی اشراف داشت، می‌توانست با کاستن از گفت‌وگوهای طولانی و خسته‌کننده اثر خویش، اطلاعات قابل انتقال موجود در ذهن خویش را در قالب تکنیک‌هایی از قبیل: شخصیت‌پردازی، تغییر زاویه دید، پرداخت درون‌نگری‌های شخصیت‌ها و دیگر ترفندهای ممکن، به خواننده ارائه کند.

۵- ۷. لحن

از جمله دیگر نکات ادبی این متن دقت در لحن این نوشته است، که به نوع خود وجه تمایز این نوشته با بسیاری از نوشته‌های هم‌سنخ آن شده است. «لحن، احساس نگاه نویسنده است که در ارائه شخصیت‌های داستانی و ایجاد کلام اثر، به خواننده منتقل می‌شود. به عبارت دیگر لحن، دیدگاه نویسنده نسبت به موضوع و رویدادهای داستان است که می‌تواند رسمی، طنزآلود، مؤدبانه، غیرمعقول، بدبینانه و... باشد» (شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲). لحن مکالمات حسنیه، رسمی و به مراتب مبتنی بر اصول حقه و پذیرفته شده مکتب تشیع است. گرچه در مواردی لحن مکالمات رنگ‌وبوی طنز

و مطایبه به خود می‌گیرد (ن.ک: مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۴)، اما کلیتی عالم‌پسند و مبتنی بر عقل و نقل دارد. از این رو این نوشته در میان نوشته‌های حدیثی، در نوع خود، منحصر به فرد است. از آن‌رو که گرچه عناصر خیال فراوانی بر سرتاسر این نوشته سایه افکنده اما هیچ‌گاه لحنی دروغین و صرف اتکا به جنبه‌های اغراق‌آمیز خیال ندارد.

۶. مکالمات حسنیه در مسیر بازتولید ادبی

چنانچه در بخش‌های پیشین مشخص شد بسیاری از ابزارهای مورد استفاده در علم داستان‌نویسی

معاصر در مکالمات حسنیه قابل شناسایی هستند، اما همانطور که مشخص است در سایه انگیزه دینی نگارنده این رساله و همچنین با توجه به عدم پیشرفت کنونی علم داستان‌نویسی در زمان نگارش مکالمات حسنیه، غنای ادبی قابل ملاحظه‌ای در شاخه‌های داستانی این اثر یافت نمی‌گردد. به عبارت بهتر، نویسنده نتوانسته است به نحوه شایسته و بایسته از ابزارهای فنی موجود در علم داستان‌نویسی جهت اعتلای هنری و انتقال ارزش‌های دینی مورد توجه خود بهره‌برد. از این رو بازتولید ادبی این نوشته موضوعی حائز اهمیت است که در سایه وجود تبلیغات روزافزون و مدرن فرقه‌های ضاله‌ای همچون وهابیت و سلفی‌گری اهمیت دوچندانی می‌یابد. در این مسیر نویسنده صاحب‌ذوق که عمده مصالح دینی مورد استفاده خود را در دسترس دارد که بسیاری از احادیث و روایات معتبر معصومان است و تنها باید تلاشی هدفمند جهت بازنویسی ادبی مکالمات از خود مصروف دارد.

در بازتولید متن داستان نیز آنچه که به عنوان نخستین اقدام اساسی به نظر می‌رسد؛ حذف مقدمه‌های موجود در ابتدای رساله مکالمات حسنیه می‌باشد. بنابراین برای تولید یک متن ادبی از این نوشتار حدیثی باید به جای توضیحات ابتدای متن راجع به نگارنده و مترجم این نوشته، گشایشی گیرا و داستانی، آغازگر این نوشتار باشد. «گشایش داستان از یک نظر از تنه و پایان داستان هم، مهم‌تر است؛ زیرا اگر کسی گشایش داستانی را نپسندد و کتاب را کنار بگذارد، دیگر تنه و پایان داستان مجال خودنمایی نخواهند داشت» (سالاری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۸). در ادامه داستان نیز باید با خلق گره‌های داستانی

متعدد در داستان، مسیر ذهن مخاطب را در دست بگیرد. چون اگر خواننده در ابتدای نوشته بتواند تیپ (ژانر) ادبی حاکم بر اثر و نتیجه‌گیری پایانی داستان را حدس بزند از مطالعه کامل آن اثر خویش را بی‌نیاز می‌داند.

با توجه به اینکه «در واقع پدیده‌هایی که جهان خیال را می‌سازد، نه به خودی خود، بلکه از نظرگاه معین به ما عرضه می‌شود» (تودورف، ۱۳۸۸، ص ۳۲). توجه به زاویه دید نقل حوادث این نوشته از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به این معنا که در مسیر بازتولید ادبی این نوشته، در مواقعی با کنار زدن زاویه دید دانای کل، زاویه دید داستان تغییر پیدا کند، با توجه به وجود شخصیت‌هایی که در این نوشته امکان حضور و گفت‌وگو دارند و گاه‌به‌گاه شاهد پیشبرد حوادث داستان از زبان دیگر شخصیت‌ها و از دیدگاه نظر آنها باشیم. اگر فردی روزی بخواهد در مسیر بازتولید ادبی این نوشته قدم بردارد در حوزه پرداخت شخصیت‌ها نیز باید دقت لازم را به خرج داده و از پرداخت مستقیم شخصیت‌ها؛ مانند کاری که نویسنده اصلی مکلمات کرده، دست برداشته و به روش غیرمستقیم به پرداخت شخصیت‌ها اقدام کند. یعنی شخصیت‌ها را در بستر رخدادها و وقایع و در گستره گفت‌وگوهایشان به خواننده خویش بشناساند. در واقع با این روش «خوانندگان به واسطه کنش شخصیت‌ها، درکی از چگونگی ویژگی شخصیتی آنها از طریق تفسیر آن کنش‌ها بر طبق اصول اخلاقی و نظام‌های ارزشی خود، به دست می‌آورند» (آسابر گر، ۱۳۸۰، ص ۶۶).

به طور خلاصه می‌توان گفت داستان از وجود توصیف‌هایی دقیق و جذاب، خصوصاً در حوزه معرفی سیمای ظاهری شخصیت‌ها، همچنین از عدم تعلیق‌هایی اثرگذار رنج می‌برد؛ که اگر روزی نویسنده‌ای صاحب‌ذوق در مسیر بازتولید ادبی این نوشته قدم برداشت، باید توجه وافری نسبت به این دو موضوع داشته باشد. همچنان‌که جایگزینی بسیاری از واژگان سنگین قرن دهمی موجود در گفت‌وگوهای این نوشته، با لغات قابل فهم امروزی نیز از جمله دیگر لوازم اساسی بازنویسی این نوشته به‌شمار می‌رود.

نکته آخر آنکه در این اثر حجم انبوهی از روایات و اتفاقات تاریخی نیم‌قرن اول اسلامی به صورت سلسله وار و پی‌درپی نقل شده است. به عبارت بهتر متن، درگیر گفت‌وگوهایی طولانی است و حوادث و موقعیت‌های چندانی در نوشته یافت نمی‌شود.

اگر بنا باشد روزی این نوشته در مسیر بازتولید قرار گیرد؛ نویسنده ناچار است برای رهایی از متن یکنواخت و تکرار گفت‌وگوهای طولانی از شیوه جریان سیال ذهن استفاده نماید. به عبارت بهتر با استفاده از این شیوه که «در آن زمان و مکان واقعی درهم ریخته می‌شود و زمان اثر گاه در گذشته و گاه در آینده است و به همین دلیل بسیاری از ابعاد شخصیت‌پردازی تغییر می‌کند» (عبداللهیان، ۱۳۷۹، ص ۸۱). می‌توان از همان محتوای موجود حوادثی خلق کرد و با تصرف در جلوه‌های زمان و مکان این نوشته جذابیتی خواندنی برای نقل گفت‌وگوهای طولانی این اثر فراهم نمود.

نتیجه‌گیری

اعمال تحلیل‌های ساختارگرایانه بر متون روایی و حدیثی، در نوع خود اگر موضوعی متروک و رها شده نباشد، به همان میزان نیز مقوله‌ای کاربردی و متداول در بین اندیشمندان حوزه علوم اسلامی نیست. حال آنکه تحلیل ساختارگرایانه اگر در صدد کشف ساختار نوشتاری و یا به عبارت بهتر در صدد کشف نظام متن یک مکتوبه حدیثی بریاید، به فراخور ذوق و طبع محقق، می‌تواند افق‌های نوینی پیش روی مخاطبان خویش بگذارد. در این راستا در نوشتار پیش رو به تحلیل ساختارگرایانه مکالمات حسنیه پرداخته و سعی بر این بوده است که با کاوش بستر ادبی این نوشته، ظرفیت‌های قابل تطبیق مکالمات با جنبه‌های فنی حوزه علم داستانی‌نویسی بررسی گردد. رساله موسوم به مکالمات حسنیه گرچه در منابع دینی بیشتر متنی مذهبی قلمداد می‌شود، اما در شکل ارائه محتوای مفهومی خود دارای صبغه‌ای داستانی و ادبی است. اگر یک متن ادبی و داستانی در بستر سلسله حوادث خویش و یا از جهت زاویه دید خود، بخواهد به مطالب و مفاهیمی والا همچون آیات قرآنی یا احادیث معصومان^(ع) نظر داشته باشد، باید از تمامی ظرافت‌های هنری ممکن در جهت ارائه نیکوتر این برداشت‌ها بهره‌ببرد. بررسی وجه‌های داستانی مکالمات حسنیه حکایت از عدم استفاده کامل نویسنده از ابزارهای داستانی و جلوه‌های ادبی دارد، که این موضوع هم ریشه در هدف مذهبی نگارنده این متن داشته و هم نتیجه عدم احاطه وی بر ظرافت‌های ادبی نوین داستان‌نویسی است.

بنابراین تعامل عناصر داستانی متن یادشده با متنیّت حدیثی آن نیز تعاملی تام و جامع نبوده اما امکان افزایش این همکاری بین دو وجه ادبی و روایی مکالمات حسنیّه فراهم می‌باشد. از اینرو با توجه به اهمیت موضوعات مذهبی ارائه شده در این نوشته و در سایه وجه داستانی قابل تعمیم آن، بازآفرینی ادبی این نوشته موضوعی قابل تحقق و ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

۱. آسا بزرگ، آرتور (۱۹۳۳ م.). *روایت در فرهنگ عامیانه رسانه و زندگی روزمره*، ترجمه محمد رضا لیراوی (۱۳۸۰ ش)، تهران: انتشارات سروش.
۲. آوینی، سید مرتضی (۱۳۹۰ ش). *رستاخیز جان؛ ادبیات، فرهنگ، رسانه*، ویراستار: حبیب‌الله حبیبی فهیم، چاپ ششم، تهران: نشر واحه.
۳. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۴۰۱ ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری و سید محمود مرعشی، قم: مطبعة الخیام.
۴. اسماعیلی، عطاءالله (۱۳۹۰ ش). مداح نداشتیم خودم مداح شدم؛ گفت‌وگویی متفاوت با رضا امیرخانی، *ماهنامه خیمه*، شماره ۸۱، ص ۳۰.
۵. ایرانی، ناصر (۱۳۹۴ ش). *داستان، تعاریف، ابزار و عناصر*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۶. بارونیان، حسن (۱۳۷۸ ش). *شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس*، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۷. بستانی، محمود (۱۳۷۶ ش). *پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن*، ترجمه موسی دان، چاپ دوم مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. بی‌نیاز، فتح‌الله (۱۳۷۸ ش). *درآمدی بر داستان نویسی و روایت‌شناسی؛ با اشاره‌ای موجز به آسیب‌شناسی رمان و داستان کوتاه ایران*، چاپ سوم، تهران: نشر افراز.
۹. بیشاپ، لئونارد (۱۳۹۱ ش). *درس‌هایی درباره داستان نویسی*، ترجمه: محسن سلیمانی، چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

۱۰. پروینی، خلیل (۱۳۷۹ش). *تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن*، تهران: فرهنگ گستر.
۱۱. پورخالقی چترودی، مه‌دخت (۱۳۷۱ش). *فرهنگ قصه‌های پیامبران*، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۲. تودورف، تزوتان (۱۳۸۸ش)، *بوطیقای نثر؛ پژوهش‌های نو درباره حکایت*، ترجمه انوشیروان گنجی پور، تهران: نشر نی.
۱۳. تهرانی، شیخ آغا بزرگ (۱۴۰۳ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت: دارالاضواء.
۱۴. جزینی، محمدجواد (۱۳۷۴ش). *الفبای داستان نویسی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۵. جمالی، زهرا (۱۳۸۴ش). *سیری در ساختار داستان*، چاپ اول، تهران: انتشارات همداد.
۱۶. حبیبی، علی اصغر؛ مالکی جبلی، فاطمه و بهارلو، امیر (۱۳۹۵ش). روایت شناسی تطبیقی داستان «موسی و فرعون» و «فریدون و ضحاک»، *ادبیات تطبیقی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۸(۱۴)، ۱۱۹-۱۳۸.
۱۷. داد، سیما (۱۳۷۸ش). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات مروارید.
۱۸. دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۹۹ش). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۸(۱)، مقاله دوم.
۱۹. زادهوش، محمدرضا (۱۳۸۴). شیخ ابوالفتوح رازی (ره)؛ مکالمات حسنیه، *مجموعه مقالات کنگره شیخ ابوالفتوح رازی (ره)*، قم: دارالحديث.
۲۰. سالاری، مظفر (۱۳۸۳ش). *گشایش داستان*، تهران: کتاب طه (موسسه فرهنگی طه).
۲۱. شمیسا، سیروس (۱۳۸۳ش). *انواع ادبی*، چاپ دهم، تهران: فردوس.
۲۲. عبداللهیان، حمید (۱۳۸۱ش). *شخصیت و شخصیت پردازی در داستان معاصر*، تهران: آن.
۲۳. عجاج خطیب، محمد (۱۴۰۶ق). *السنة قبل التدوین*، بیروت: دارالفکر.
۲۴. عسکرآبادی، مهدی (۱۳۸۴ش). *شناخت ابوالفتوح رازی و سیر در مکالمات حسنیه. مجموعه مقالات کنگره شیخ ابوالفتوح رازی (ره)*، قم: دارالحديث.
۲۵. قادری، نصرالله (۱۳۸۰ش). *آنا تومی ساختار درام*، چاپ دوم، تهران: انتشارات نیستان.

۲۶. قره‌بیگلو، سعیدالله و عبدی پور، شیدا (۱۳۸۸ش). شیوه‌های داستان‌پردازی سنایی، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حکیم سنایی*، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا و خانه کتاب.
۲۷. کمپتون، گلوریا (۱۳۹۲ش). *گفت‌وگونویسی؛ فنون و تمرین‌هایی برای نوشتن گفت‌وگوهای قوی*، ترجمه: فهیمه محمد سمسار، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۲ش). *حلیة المتقین*، چاپ اول، قم: صبح صادق.
۲۹. معارف، مجید (۱۳۹۱ش). *تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی*، چاپ دوازدهم، تهران: کویر.
۳۰. مقدادی، بهرام (۱۳۷۸ش). *فرهنگ اصطلاحات ادبی از افلاطون تا عهد حاضر*، تهران: فکر روز.
۳۱. ملیوبی، محمد تقی (۱۳۷۶ش). *تحلیلی نواز قصه‌های قرآن*، تهران: امیرکبیر.
۳۲. مهدوی، سید سعید (۱۳۸۱ش). *نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن*، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
۳۳. میرصادقی، جمال (۱۳۹۴ش). *عناصر داستان*، چاپ سوم، تهران: نشر سخن.
۳۴. میرصادقی، جمال (۱۳۷۶ش). *ادبیات داستانی*، چاپ سوم، تهران: نشر سخن.
۳۵. نصیری، علی (۱۴۰۰ش). *روش‌شناسی نقد احادیث*، قم: انتشارات وحی و خرد.
۳۶. یونسی، ابراهیم (۱۳۸۸). *هنر داستان‌نویسی*، چاپ دهم، تهران: آگاه.

References

1. Asa Berger, Arthur (۱۳۰۱). *Narration in the Folk Culture of the Media and Everyday Life*, [translated by Mohammad Reza Lirawi,] Tehran: Soroush Publications. [In Persian]
2. Avini, Seyyed Morteza (2011). *Rastakhiz Jan (Literature, Culture, Media)*. Tehran: Vahe Publishing House, 6th edition. [In Persian]
3. Affandī, Abdullah bin Isa Beyg (1401 AH). *Rīyad al-'Ulama wa Hayad al-Fuzalā*, [research and correction by Ahmad Hosseini Ashkuri and Seyyed Mahmoud Mar'ashi,] Qom: Al-Khayyam Press. [In Arabic]
4. Esmaili, Atallah (2011). "A different conversation with Reza Amirkhani", *Kheimeh Monthly*, No. 81, November. [In Persian]
5. Irani, Nasser (2015). *Stories, Definitions, Tools and Elements*, Tehran: Publications of the Center for Intellectual Development of Children and Adolescents. [In Persian]
6. Baronian, Hassan (1999). *Characterization in the Short Stories of Holy Defense*, Tehran: Publications of the Foundation for the Preservation of the Works and Publishing of Values of the Defense of the Holy, first edition. [In Persian]
7. Bostani, Mahmoud (1997). *A research on the artistic effects of Qur'anic stories*, [translated by Musa Danesh], second ed. Mashhad: Astan-e Qods Radawi. [In Persian]
8. Biniyaz, Fathullah (1999). *An introduction to the story writer and narratology, with a brief reference to the pathology of Iranian novels and short stories*, Tehran: Afraz publishing house, third edition. [In Persian]
9. Bishop, Leonard (2012). *Lessons on Story Writing*, [translated by: Mohsen Soleimani,] Tehran: Sore Mehr Publishing Company, fifth edition. [In Persian]
10. Parvini, Khalil (2000). *Analysis of literary and artistic elements of Qur'anic stories*, Tehran: Farhang Gostar. [In Persian]
11. Pourkhalqi Chatroudi, Mah-dekht (1992). *A Collection of Stories of the Prophets*, Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]
12. Todorff, Tzutun (2000). *Prose boutiques, new researches about anecdotes*, translated by Anoushirvan Ganjipour. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]

13. Tehrani, Sheikh Agha Bozorg (1403 AH). *al-Dhar'r'ah*, Beirut: Dar al-'Adwā'. [In Arabic]
14. Jazini, Mohammad Javad (1995). *The Alphabet of Story writing*, Tehran: Phoenix Publications, third edition. [In Persian]
15. Jamali, Zahra (2005). *A glance at the structure of the story*, Tehran: Hamdad Publications, first edition. [In Persian]
16. Habibi, Ali Asghar, Maleki Jebelli, Fatemeh, Baharlou, Amir (2016). "Comparative Narrative of the Story of "Moses and Pharaoh" and "Fereidoon and Dhahak"", *Comparative Literature Journal*, School of Literature and Human Sciences, Shahid Bahonar University, Kerman, 8: 119-138. [In Persian]
17. Dad, Sima (1999). *Dictionary of Literary Terms*, Tehran: Morvarid Publications, third edition. [In Persian]
18. Daneshpajoh, Mohammad Taqi (2020). *List of manuscripts in the Faculty of Literature Library*, Tehran: Faculty of Literature Magazine. [In Persian]
19. Zadhoosh, Mohammad Reza (2005). "Sheikh Abulfatuh Razi (RA); Hosnia's conversations". *Conference of the Congress of Sheikh Abulfatuh Razi (RA)*. [In Persian]
20. Salari, Muzaffar (2004). *Opening the Story*, Tehran: Taha Book (Taha Cultural Institute). [In Persian]
21. Shamisa, Siros (2004). *Literary Types*, 10th edition, Tehran: Ferdous. [In Persian]
22. Abdullahiyan, Hamid (۱۳۷۳). *Character and Characterization in Contemporary Fiction*, Tehran: Ān. [In Persian]
23. Ajāj Khatib, Muhammad (1406 AH). *Al-Sunnah Qabl al-Tadwīn*, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
24. Askar Abadi, Mahdi (2004). *Recognizing Abul Fattuh Razi, and a glance at Hosniyah's conversations*. Conference of the Congress of Sheikh Abulfatuh Razi (RA). [In Persian]
25. Qaderi, Nasrullah (2001). *Anatomy of Drama Structure*, Tehran: Neyestan Publications, second edition. [In Persian]
26. Qara Beigloo, Saeedullah and Abdipour, Sheida (2009). "Sana'i storytelling styles". *Proceedings of Hakim Sanai International*

- Conference*, Tehran: Al-Zahra University Press and Khane Ketab. [In Persian]
27. Kempton, Gloria (2013). *Dialogue Writing; Techniques and Exercises for Writing Strong Dialogues*, translated by: Fahima Mohammad Samsar, Tehran: Sore Mehr Publishing Company. [In Persian]
28. Majlesi, Mohammad Baqer (1993). *Hilyat al-Mutaqeen*, Qom: Sobh Sadegh Publications, first edition. [In Persian]
29. Ma'arif, Majid (2012). *General history of hadith with an analytical approach*, Tehran: Kavir, 12th edition. [In Persian]
30. Meqdadi, Bahram (1999). *Dictionary of Literary Terms from Plato to the Present Age*, Tehran: Fekr Rooz. [In Persian]
31. Malboubi, Mohammad Taqi (1997). *A New Analysis of the Stories of the Qur'an*, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
32. Mahdavi, Seyed Saeed (2002). *A look at the Story and Its Educational Points in the Qur'an*, Qom: Boostan-e Ketab, first edition. [In Persian]
33. Mirsadeghi, Jamal (2014). *Story Elements*, Tehran: Sokhan Publishing House, third edition. [In Persian]
34. Mirsadeghi, Jamal (1997). *Fiction Literature*, Tehran: Sokhan Publishing House, third edition. [In Persian]
35. Nasiri, Ali (2021). *Methodology of Hadith Criticism*, Qom: Vahy and Kherad Publications. [In Persian]
36. Yonsi, Ebrahim (2009). *The Art of Story Writing*, Tehran: Agah, 10th edition. [In Persian]